

بررسی و مطالعه تطبیقی پاسخگویی در نظام اداری ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

کد مقاله: ۲۴۴۶۲

اسداله مهر آرا^{۱*}، سهیلا نیکخواه^۲

چکیده

با افزایش آگاهی‌های عمومی شهروندان در جوامع مختلف، انتظارات آنها از دولت‌ها افزایش داشته است. شهروندان انتظار دارند که اصول اخلاقی، قوانین و مقررات، عدالت و برابری، صرفه‌جویی در منابع، کارایی در تولید و مشارکت دادن آنها را بیشتر از گذشته مورد توجه قرار دهند که پاسخگویی کارآمد دولت می‌تواند این انتظارات را محقق نماید. در این مقاله، موضوع پاسخگویی با تاکید بر پاسخگو بودن دولت مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سپس پاسخگویی در نظام اداری ایران با کشورهای انگلستان، امریکا، فرانسه و چین به صورت تطبیقی، بررسی شده است. با مقایسه نظام پاسخگویی دولت در ایران با نظام پاسخگویی چهار کشور مورد مطالعه، به نظر می‌رسد پیش‌بینی پاسخگویی دولت در قوانین ج.ا.ایران به خوبی دیده شده است و کشور ما دارای نظام پاسخگویی دولتی بسیار خوبی است و در صورتی که نهادهای پیش‌بینی شده در قانون که دولت موظف به پاسخگویی به آنها است با اهتمام ویژه‌ای دولت و مدیران دولتی را به پاسخگویی ملزم کنند می‌توان دولت را به سمت پاسخگویی اثربخش هدایت نمود.

واژگان کلیدی: پاسخگویی، نظام اداری، دولت، مطالعه تطبیقی

۱- استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران (نویسنده مسئول)

mehrrara.a@qaemiau.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری گروه مدیریت دولتی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران

هر روزه شاهدیم دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های دولتی در جست‌وجوی راه‌حلی برای مسائل و مشکلات خاص جامعه‌اند و پاسخگویی می‌تواند این مسائل را شفاف نماید (ابوالحسنی‌رنجبر و همکاران، ۱۳۹۶، ۶۱۶). پاسخگویی^۱ یکی از چالش‌هایی است که دولت‌ها امروزه با آن مواجه هستند. امروزه دولت‌ها بایستی نسبت به خط‌مشی‌ها و اقداماتشان پاسخگو باشند. هر دولتی نیازمند یک سیستم پاسخگو است و لازمه دموکراسی، داشتن یک سیستم پاسخگویی مناسب است. سازمان‌های دولتی، به وسیله مردم و برای مردم ایجاد می‌شوند و می‌بایست در برابر آنها پاسخگو باشند (هیوز، ۱۳۹۸، ۲۸۵). پیش‌فرض پاسخگویی در بخش عمومی و دولتی اینگونه است که اقدامات و تصمیمات مدیران همیشه بر امور مختلف جامعه تأثیر می‌گذارد. در نظام‌های بوروکراتیک، نمایندگان مردم و مجلس، مدیران دولتی را انتخاب می‌کنند. لذا مردم بطور مستقیم در انتخاب مدیران اجرایی دولت دخالت می‌نمایند. همچنین مدیران ارشد، خود سایر مدیران را تعیین و به آنها تفویض اختیار می‌دهند (فقهی، ۱۳۸۰، ۵۴). پاسخگویی می‌تواند در خط‌مشی‌گذاری که به منزله یکی از اولویت‌های هر کشور است، تأثیر بسزایی داشته باشد (ابوالحسنی‌رنجبر و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۶). رابطه بین دولت و شهروندان، سیستم پاسخگویی را شکل می‌دهد که به موجب آن، سازمان‌های دولتی وظایف مربوط را انجام می‌دهند و باید درقبال انجام وظایف پاسخگو باشند. پاسخگویی از ابزارهای کنترل و نظارت بر قدرت و مقابله با سوء استفاده از قدرت است. بنابراین در همه نظام‌ها، فرآیندها و سازوکارهایی برای دولت پیش‌بینی شده است. اگر دولت‌ها پاسخگو نباشند، یک سوئه و مستبد و فسادانگیز خواهند شد. لازمه دموکراسی، داشتن یک سیستم پاسخگویی مناسب است و فقدان پاسخگویی موجب بی‌اعتمادی است (هیوز، ۱۳۹۸، ۲۸۸). امروزه دولت‌ها از یک سو، در مقابل مردمان و سازمان‌های ملی خود احساس مسئولیت می‌کنند و باید در برابر نیازهای آنان پاسخگو باشند و از سوی دیگر، الزامات بین‌المللی و نیروهای جهانی آنان را وادار به اعمال روش‌ها و شیوه‌هایی می‌کند که در عمل مغایر خواست و انتظارات شهروندان آنها است (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰، ۱۶). با افزایش آگاهی‌های عمومی شهروندان در جوامع مختلف، انتظارات آنها از دولت‌ها افزایش داشته است. شهروندان انتظار دارند که اصول اخلاقی، قوانین و مقررات، عدالت و برابری، صرفه‌جویی در منابع، کارایی در تولید و مشارکت دادن آنها را بیشتر از گذشته مورد توجه قرار دهند که طراحی و اجرای یک نظام پاسخگویی کارآمد می‌تواند این انتظارات را محقق نماید. در این مقاله، موضوع پاسخگویی با تأکید بر پاسخگو بودن دولت مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سپس پاسخگویی در نظام اداری ایران با کشورهای انگلستان، امریکا، فرانسه و چین به صورت تطبیقی، بررسی شده است و رهنمودهایی برای پاسخگویی بهتر دولت ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری پاسخگویی

پاسخگویی یکی از ابزارهای اصلی مبارزه با ناکارآمدی و فساد به حساب می‌آید و دستیابی به نظام پاسخگویی مناسب از اهداف اصلی اصلاحات اداره امور عمومی است. وجود سیستم کارآمد پاسخگویی از سویی باعث حفظ مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی می‌شود و از سوی دیگر، می‌تواند از ناکارآمدی سیستم اداری جلوگیری کند. بر مبنای پاسخگویی شخص یا دولت باید برای رفتار خویش در برابر کسانی که حق قضاوت درخصوص رفتار او را دارند، پاسخگو باشد (صبحی و همکاران، ۱۳۹۷). پاسخگویی به فرآیندهایی گفته می‌شود که حاکمان را برای رفتار و عملکردشان مسئول می‌کند (آکوئین^۲، ۲۰۰۰، ۴۵). پاسخگویی تعهد در قبال مسئولیت است و هر کسی که به نام شخص یا گروهی عملی را انجام دهد، می‌بایست به همان شخص یا گروه نیز گزارش بدهد و یا به نوعی در برابر آنها مسئول باشد (هیوز، ۱۳۹۸، ۲۸۸). پاسخگویی نیروی پیش‌برنده است که بر بازیگران کلیدی فشار می‌آورد تا در برابر ارائه عملکرد و اطمینان از آن احساس مسئولیت نمایند (پاتول، ۲۰۱۶، ۵). اگر حکومت در برابر مردم پاسخگو است، باید به صورت مشخص افرادی باشند که در صورت مشکل بتوانند مورد اتهام قرار گرفته و برای سوء استفاده یا قصور و یا خطا و مشکلات در سیاست‌گذاری تنبیه شوند (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰، ۱۹). والدو (۱۹۴۵) معتقد است پذیرش غیرممتدانه چشم‌انداز اداری بیانگر دست کشیدن از نظریه دموکراتیک است. حق انتقاد و پرسشگری نسبت به تصمیمات اداری یکی از اهرم‌های قدرت شهروندان در برابر نظام اداری است (میرسپاسی و اعتباریان، ۱۳۸۷، ۱۸۴). در الگوی مدیریت دولتی نوین، روابط قدرت بین نظام اداری و جامعه متحول گردیده و پاسخگویی مستقیم مدیران و کارگزاران به مردم مطرح شده است و امکان نفوذ و اعمال قدرت شهروندان را بدنبال دارد که هیوز (۱۳۹۸) از آن به عنوان مبادله قدرت بین مردم و دولت نام می‌برد و فقدان آن را موجب ظهور قدرت مسلط و در نهایت فساد می‌داند. دنهارت (۱۹۸۸) بیان می‌کند افراد باید در برابر تصمیمات اداری از جایگاه ارزش‌های حرفه‌ای پاسخگو باشند. به نظر وی، مشکل اساسی در رابطه بین شهروندان و دولت، بی‌اعتمادی شهروندان به دولت است و ریشه این بی‌اعتمادی، پاسخگویی است (دنهارت، ۱۳۹۰).

1. Accountability & Responsibility
2. Aucoin

۲-۱- اهداف پاسخگویی

امروزه، پاسخگویی مورد تاکید ویژه قرار دارد و فرآیندهایی است که از راه انتخابات، مردم مدیران دولتی را انتخاب و آنها برای تصمیماتشان پاسخگو و مسئول هستند. نمایندگان مردم در مجلس قانون گذاری می‌توانند مدیران دولتی را از نظر نظارتی و مسئولیت پاسخگو نمایند. مدیران عالی و ارشد نیز مدیران زیردست و اجرایی خود را از راه سلسله مراتب اختیار و مسئولیت در برابر قوانین و مقررات پاسخگو نگه می‌دارند. فقیهی (۱۳۸۰) نظارت بر قدرت و پیشگیری از سوء استفاده از اختیارات را جزو اهداف پاسخگویی می‌داند و تاکید می‌کند تبعیت از قانون، صیانت از ارزش‌های خدمات عمومی و مدیریت کارا و اثربخش خدمات عمومی با پاسخگویی ضمانت خواهد شد.

امروزه دولت‌ها در شرایطی قرار دارند که باید پاسخگویی نیازهای مردم، احزاب، رسانه‌ها و گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع‌باشند. لذا پاسخگویی در همه نظام‌های اداری و سیاسی نقش نظارتی و اساسی دارد و قانون‌گذاران به دنبال این هدف هستند که مدیران دولتی از منابع و قدرت که به آنها واگذار شده، سوء استفاده نکنند. بنابراین در همه کشورها، فرآیندهایی برای نظارت بر دولت و قوه مجریه پیش‌بینی شده است و پاسخگویی دولت می‌تواند به عنوان ابزار کنترل قدرت باشد (آکوئین، ۲۰۰۰، ۴۵). با اهمیت‌ترین بعد پاسخگویی این است که شهروندان اعتماد داشته باشند که کارگزاران و مدیران دولتی در استفاده موثر و بهینه از منابع و امکانات عمومی از حدود قوانین و مقررات عدول نکنند. لذا هدف دیگر پاسخگویی، تضمین استفاده صحیح از منابع عمومی است و از این‌رو نمایندگان مردم در مجلس به نمایندگی از آنها بر استفاده از امکانات و منابع عمومی و ملی نظارت می‌نمایند. پاسخگویی به عنوان ابزار ارتقاء، پیشرفت و بهبود مستمر خدمات عمومی به جنبه مثبت خدمات دولتی اشاره دارد. این جنبه از پاسخگویی نوعی فرآیند یادگیری مستمر نیز تلقی می‌شود و ابزاری برای بهبود خدمات دولتی است (آکوئین، ۲۰۰۰، ۵۳).

۲-۲- انواع پاسخگویی در بخش عمومی

اندرسون (۱۹۷۱) بیان می‌کند توجیه کردن، گزارش دادن و تشریح کردن، جنبه‌های مهم پاسخگویی هستند. پاسخگویی شناخت حقوق عمومی است که بدانند چه اعمالی باید انجام گیرد و انواع پاسخگویی عبارتند از: عمومی، مدیریتی، مالی، سیاسی، حرفه‌ای، قانونی و اجتماعی. هیکس (۱۹۸۸) و استون (۱۹۹۳) انواع پاسخگویی را شامل مدیریتی، سیاسی، عمومی، حرفه‌ای و قانونی می‌دانند. ولف (۲۰۰۰) انواع پاسخگویی را شامل قانونی، مالی، سیاسی و اخلاقی می‌داند. رمزک (۲۰۰۰) معتقد است پاسخگویی به انواع پاسخگویی سیاسی، پاسخگویی قانونی، پاسخگویی سازمانی و پاسخگویی حرفه‌ای قابل تفکیک است. شکل زیر انواع پاسخگویی را در ۴ بخش نشان می‌دهد. در این شکل، پاسخگویی از دو بعد میزان استقلال و منبع نظارت نشان داده شده است. میزان استقلال می‌تواند کم و زیاد و منبع نظارت می‌تواند درونی و بیرونی باشد.

جدول ۱- انواع پاسخگویی (رمزک، ۲۰۰۰)

منبع نظارت		میزان استقلال	
بیرونی	درونی	کم	زیاد
قانونی	سازمانی	کم	زیاد
سیاسی	حرفه‌ای	کم	زیاد

پاسخگویی حرفه‌ای، جنبه درونی دارد و اهمیت آن در این است که چه کسی استاندارد عملکرد را که مبنای قضاوت برای پاسخگویی است تعیین خواهد کرد؛ در این نوع پاسخگویی، منبع استاندارد عملکرد قضاوت شخصی فرد است. در نظام‌های پاسخگویی حرفه‌ای استقلال افراد برای تصمیم‌گیری‌ها حفظ می‌شود و عملکرد آنان با هنجارهای حرفه‌ای، اعتقادات و تجارب شخصی آنان مورد قضاوت قرار می‌گیرد. پاسخگویی سیاسی جنبه بیرونی دارد. در پاسخگویی سیاسی منبع تعیین استاندارد عملکرد یا به عبارت دیگر کسی که استاندارد عملکرد را مبنای قضاوت برای پاسخگویی قرار می‌دهد، خود شخص نیست و بلکه دیگران هستند. در پاسخگویی سیاسی مدیران به خواسته‌های مقامات سیاسی یعنی منتخبان مردم، همچنین گروه‌های ذینفع و سایر نهادهای سیاسی جوابگو می‌شوند. به عبارتی دیگر پاسخگویی سیاسی نظارت اصیل بر وکیل است.

پاسخگویی سازمانی همان نظارت‌ها و ممیزی‌های داخلی سازمان است. در این پاسخگویی که مبتنی بر روابط رئیس و مرئوس است، مدیران بر عملکرد کارکنان زیردست خودشان نظارت می‌کنند و ارزیابی عملکرد کارکنان مصدق از پاسخگویی سازمانی است. همچنین تدوین مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و دیگر ساز و کارهای نظارتی که اختیارات کارکنان را تعیین می‌کنند از

جمله پاسخگویی سازمانی هستند. پاسخگویی قانونی همان نظارت‌های بیرونی بر عملکرد است که هدف آن تطبیق عملکرد با الزامات قانونی و قوانین بالادستی است. پاسخگویی قانونی مبتنی بر روابط اصیل و وکیل است و اغلب از طریق بازرسی‌ها و حسابرسی‌های ویژه صورت می‌گیرد. در هر یک از انواع چهارگانه پاسخگویی، متغیرها و بازده مشخصی مورد انتظار است. جدول زیر انواع نظام‌های پاسخگویی را بر حسب متغیر وابسته و بازده مورد انتظار نشان می‌دهد.

جدول ۲- نظام‌های پاسخگویی بر حسب متغیر و بازده مورد انتظار

نوع پاسخگویی	متغیر	بازده مورد انتظار
سازمانی	کارایی و بهره‌وری	اطاعت از دستورات سازمانی
قانونی	اجرای قانون	اجابت دستورات و احکام خارج سازمان
حرفه‌ای	دانش تخصصی	احترام به قضاوت و دانش تخصصی افراد
سیاسی	جوابگویی	جوابگویی به صاحبان سازمان (مردم و مجلس)

۳- بررسی تطبیقی پاسخگویی در نظام‌های اداری مختلف

با افزایش آگاهی‌های عمومی شهروندان در جوامع مختلف، انتظارات آنها از دولت‌ها افزایش داشته است. شهروندان انتظار دارند که اصول اخلاقی، قوانین و مقررات، عدالت و برابری، صرفه‌جویی در منابع، کارایی در تولید و مشارکت دادن آنها را بیشتر از گذشته مورد توجه قرار دهند که طراحی و اجرای یک نظام پاسخگویی کارآمد می‌تواند این انتظارات را محقق نماید. در این مقاله، موضوع پاسخگویی با تأکید بر پاسخگو بودن دولت مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سپس پاسخگویی در نظام اداری ایران با کشورهای انگلستان، امریکا، فرانسه و چین به صورت تطبیقی، بررسی شده است و رهنمودهایی برای پاسخگویی بهتر دولت ارائه می‌شود.

۳-۱- پاسخگویی در نظام اداری انگلستان

انگلستان دارای نظام سلطنت پارلمانی یا پادشاهی مشروطه است. به این معنا که پادشاه یا ملکه، رئیس حکومت شناخته می‌شود و نخست‌وزیر که ارشدترین عضو پارلمان به حساب می‌آید، رئیس دولت است. مبنای عمل در این کشور قانون اساسی نانوشته‌ای است که در طول قرن‌ها تکامل یافته است. قوانین آن شامل قوانین موضوعه، حقوق عرفی و فرهنگ عرفی است. این قوانین از طریق تصویب لایحه پارلمانی، توافق کلی و احکام قضایی مورد تغییر قرار می‌گیرند. اصول قانون اساسی در انگلستان و سوابق اجرایی آن در نهادهای حکومتی غیرقابل تغییر هستند. این نهادها شامل پادشاه، هیئت وزیران، شورای اختصاصی و پارلمان می‌باشند. پادشاه بریتانیا در رأس کشور قرار دارد و طبق قانون در رأس دو قوه اجرائیه و قضائیه و نیز فرمانده کل نیروهای مسلح سلطنتی و رئیس کلیسا می‌باشد (رحیمی‌مقدم، ۱۳۹۸).

قوه مقننه متشکل از دو مجلس عوام و مجلس اعیان است، نظام قضایی آن مستقل از قوه مجریه و قوه مقننه است. دیوان عالی نیز بالاترین مرجع رسیدگی به دعاوی قضایی در این کشور است. نظام سیاسی این کشور دارای شش نوع انتخابات است که طی آن‌ها اعضای مجلس، کابینه، دولت‌های محلی، نمایندگان بریتانیا در اتحادیه اروپا، شهرداری‌ها، و کمیساریای پلیس انتخاب می‌شوند. وزارتخانه‌ها واحدهای اداری اصلی یه شمار می‌آیند و صنایع ملی و شرکت‌های دولتی نیز بخشی از تشکیلات دولتی محسوب می‌شوند. هر وزارتخانه توسط وزیری اداره می‌شود که در مقابل پارلمان مسئول است. در هر وزارتخانه دبیرخانه ثابتی وجود دارد که مدیریت آن بعهده یکی از کارکنان ارشد خدمات دولتی است. دبیر، اداره وزارتخانه را عهده‌دار است و مسئول مستقیم وزیر است. دبیر ثابت را تعدادی معاون یاری می‌دهند که هرکدام مسئولیت بخش‌هایی از وزارتخانه را عهده دارند (نقیب‌زاده، ۱۳۹۸).

در انگلستان دادگاه‌های اداری آنچنان که در دیگر کشورهای اروپایی متداول است وجود ندارد. دادگاه‌های فرعی و نظارت‌های سیاسی ابزارهای مهم پاسخگویی بیرونی به شمار می‌روند. در انگلستان، نظارت قوه مقننه بر مجریه بر فلسفه مسئولیت وزارتی مبتنی است. این نظارت در واقع سازوکار پاسخگویی وزرا به پارلمان تلقی می‌شود. در هنگام انتخابات، دولت در مقابل مردم پاسخگو می‌شود، اما این کار هر پنج سال یک بار رخ می‌دهد، در نتیجه پارلمان به نمایندگی از مردم و در طول این دوران پنج ساله، دولت را بازخواست کرده و آن‌ها را به پاسخگویی وادار می‌کنند. این کار از طریق پرسش از وزرا، بررسی و انتقاد از خطمشی‌ها و افشای خطاهای اداری یا فردی انجام می‌شود که اغلب به استعفا یا عذرخواهی منتهی می‌شود. در گذشته، اقدامات کارکنان دولت بنام وزیر صورت می‌گرفت و وزیر هم در مقابل مجلس عوام برای رفتار اداری کارکنان پاسخگو بود. اما شرایط به گونه‌ای تحول یافت که تدریجاً وزرا به دلیل وسعت قلمرو فعالیت‌های وزارتخانه‌ای خود عملاً از نظارت بر جزئیات اقدامات و تصمیمات کارکنان وزارتخانه بازماندند (فقیهی، ۱۳۸۰).

بعدها به منظور تضمین پاسخگویی وزرا کوشش‌هایی صورت گرفت که از آن جمله می‌توان به تقویت تعداد و توان کارشناسی کمیته‌های تخصصی پارلمان اشاره کرد. تأسیس دفتر رسیدگی به شکایات پارلمان گام دیگری برای تضمین پاسخگویی مجریان بوده است. این دفتر به شکایت شهروندان علیه کارگزاران می‌پردازد. وابستگی وزرا به کارکنان حرفه‌ای و بی‌طرف و رازنی با آنان نمونه‌ای از پاسخگویی حرفه‌ای قلمداد می‌شود. در انگلستان پاسخگویی سازمانی همواره مورد توجه بوده است. هم چنانکه تا این اواخر وزرا برای اقدامات کارکنان دولت در برابر پارلمان پاسخگو بودند. وزرا به گونه‌ای سنتی شخصاً و یا کتباً در مورد عملیات زیر مجموعه خود به مجلس گزارش می‌دادند و در صورتی که سوء مدیریت احراز می‌گردید، مسئولیت خطاهای کارکنان خود را می‌پذیرفتند. در اصلاحاتی که بعداً در این مورد انجام گرفت ضمن حفظ پاسخگویی وزیر، مسئولیت خدمات دولتی به خود سازمان‌ها محول شد. ستاده‌های واحدهای دولتی با توافق وزارتخانه‌ها از پیش مشخص می‌شود و مدیران اجرایی مستقیماً در برابر ستاده‌های واحدها مسئول هستند. در قبال این پاسخگویی، اختیارات وسیعی به ویژه در زمینه مدیریت منابع انسانی به مدیران سازمان‌ها واگذار شده است (نقیب‌زاده، ۱۳۹۸).

در خدمات دولتی انگلستان ستاده وزارتخانه‌ها حتی الامکان به صورت کمی تعریف شده است. این تعاریف مبنای ارزشیابی عملکرد واحدها و افراد قرار می‌گیرند. در طول دو دهه گذشته نظام‌های پاسخگویی مالی نیز تقویت شده‌اند. هزینه‌ها را کاهش داده‌اند، از تعداد کارکنان خدمات کشوری کاسته‌اند و فعالیت زاید را حذف کرده‌اند. در جهت تقویت پاسخگویی سازمانی، منشور شهروندی در سال ۱۹۹۱ تدوین شده است که هدف آن بهبود آرایه خدمات دولتی به مردم است. برای خدمات مهم دولتی حدود سی و هفت منشور تدوین شده است. این منشورها هر ساله مورد بازنگری قرار می‌گیرند و به‌هنگام می‌شوند. منشور شهروندی شفافیت بیشتری برای خدمات آرایه شده فراهم کرده و در نتیجه کارکنان دولت را نسبت به عملکردشان پاسخگو می‌کند. برای به‌هنگام کردن منشورها از دریافت‌کنندگان خدمات نظرجویی شده و نتایج آن بصورت ادواری منتشر می‌شود. منشورهای شهروندی متضمن اصولی است که مراعات آنها الزامی است، از جمله:

- استانداردهای کیفیت و کمیت خدمات باید به آگاهی دریافت‌کنندگان خدمات برسد.
- نتایج عملکرد سازمانی باید منتشر شود و به اطلاع عموم برسد.
- اطلاعات صحیح از چگونگی آرایه خدمات، هزینه آنها و افرادی که باید خدمات را ارائه کنند منتشر شود.
- احترام به ارباب رجوع و همراهی کارکنان با آنان، اصلی خدشه‌ناپذیر است و همه مردم به این امر واقفند.
- کارکنان دولت موظفند نام و مشخصات اداری خود را بر روی سینه نصب کنند تا ارباب رجوع به راحتی آنان را بشناسند.
- روش‌هایی برای شکایت نسبت به سوء رفتار اداری پیش‌بینی شده است و خسارات وارده به دریافت‌کنندگان خدمات می‌بایست به گونه‌ای مناسب جبران گردد (فقیهی، ۱۳۸۰).

در انگلستان، پاسخگویی قوه مجریه در مقابل مجلس عوام می‌باشد. در این کشور موارد پاسخگویی قوه مجریه در قبال قوه مقننه عبارتند از: پاسخگویی به سؤال، تذکر و استیضاح نمایندگان مجلس عوام، پاسخگویی به کمیسیون‌های منتخب مجلس عوام (کمیسیون تحقیق و تفحص)، اجرای قوانین مالی و قانون بودجه و همچنین مسئولیت سیاسی وزرا (مسئولیت جمعی و مسئولیت فردی). در انگلستان حفظ حقوق افراد و کنترل قضایی بر قوه مجریه، جبران خسارتی است که از دستگاه قوه مجریه نسبت به فرد زیان دیده وارد می‌شود. این شخص با مراجعه به دادگاه‌های عمومی می‌تواند علیه قوه مجریه ادعای جبران خسارت کند. قراردادهای ویژه نیز یکی از طرق کنترل قوه مجریه می‌باشد. این قراردادها در دو اصل رعایت روح عدالت و اصل عدم تجاوز از حدود اختیارات ریشه دارد که عبارتند از: دستور الزام به انجام وظایف عمومی و قرار ممنوعیت. خارج از دادگاه‌های عمومی، دادگاه‌های دیگری به نام دادگاه‌های اختصاصی یا دادگاه‌های اداری و وزارتی وجود دارند و به امور معمولی‌تر که جنبه‌های اداری و اجتماعی آنها حائز اهمیت می‌باشد، رسیدگی می‌کنند (اعرابی، ۱۳۸۰؛ نقیب‌زاده، ۱۳۹۸).

در انگلستان سیستم دوحزبی حاکم است. حزبی که موفق به کسب اکثریت آرا گردد، عهده‌دار تشکیل دولت می‌شود و حزب اقلیت به عنوان ناظر و کنترل‌کننده دولت سعی می‌کند تا در مسایل و فعالیت‌های دولت موشکافی کرده و نقایص و معایب آن را به سطوح جامعه و مطبوعات کشانده و از این طریق سیستم اداری را اصلاح کند. همچنین رئیس کمیسیون دیوان محاسبات مجلس در انگلستان، از حزب مخالف دولت انتخاب می‌گردد تا بهتر بر عملکردهای دولت نظارت و کنترل کرده و آن را به پاسخگویی بکشاند. نکته دیگری که در خصوص احزاب به ویژه حزب مخالف حائز اهمیت است، مسئولیت‌پذیری و مسئول بودن حزب مخالف می‌باشد. این مسئولیت‌پذیری منجر به تشکیل دولت سایه در انگلستان می‌شود که جایگاه قانونی و مشخصی برای آن در نظر گرفته شده است. در کشور انگلستان مطبوعات و روزنامه‌ها دو نقش اصلاح و بازجویی و تحقیق در دستگاه‌های دولتی را بر عهده دارند. در حالی که اظهار فساد و یا سوءمدیریت و تحقیق در مورد آنها معمولاً خوشایند دستگاه‌های دولتی نیست و علاوه بر آن کار سخت و طاقت فرسایی می‌باشد، مطبوعات در انگلستان علاوه بر تحقیق و بازجویی و مجاب کردن دولت به پاسخگویی دارند. در این کشور، علاوه بر روزنامه‌ها و مطبوعاتی که در سطح ملی و مرکزی به این مهم می‌پردازند، مطبوعات

محلّی نیز از طریق ارتباط با روزنامه‌ها و مطبوعات مرکزی، آنها را در انجام این وظیفه مهم و در عین حال سنگین یاری و کمک می‌کنند (اعرابی، ۱۳۸۰).

۳-۲- پاسخگویی در نظام اداری ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده یک جمهوری مشروطه فدرال است که در آن رییس‌جمهور ایالات متحده (رییس دولت و رئیس کشور)، کنگره و نظام قضایی در قوای تضمین شده برای دولت ملی شریک‌اند و دولت فدرال حاکمیت را با دولت‌های ایالات شریک است. قوه‌ی مجریه توسط رئیس‌جمهور مدیریت می‌شود و رسماً از دو قوه‌ی قضائیه و مقننه مستقل است. کابینه به عنوان مجموعه‌ای از مشاوران به رئیس‌جمهور خدمت می‌کند. این مجموعه متشکل است از معاون رئیس‌جمهور و سران دپارتمان‌های اجرایی است. قدرت قانون‌گذاری بین دو بخش از کنگره تقسیم شده است، این دو بخش عبارت‌اند از: سنا و خانه‌ی نمایندگان. قوه قضائیه ترکیبی از دیوان عالی و دادگاه‌های فدرال می‌باشد که قدرت قضایی را به کار می‌گیرد. ساختار قوه‌ی قضائیه تفسیری از قانون اساسی ایالات متحده، قوانین فدرال و مقررات می‌باشد. این شامل حل اختلافات میان شاخه‌های قانون‌گذاری و اجرایی نیز می‌باشد. ساختار دولت فدرال در قانون اساسی تدوین شده است (جیلسون^۱، ۲۰۱۳).

در ایالات متحده آمریکا که نظامی ریاستی دارد دیوانسالاری شدیداً تحت نظارت‌های سیاسی است و در عین حال موضع بیطرفانه‌ای دارد. علاوه بر وزارتخانه‌ها که واحدهای اصلی قوه مجریه‌اند کمیسیون‌های متعددی در دولت، وظایف نظارت بر امور اقتصادی و اجتماعی را عهده دارند. کنگره قدرتمندترین منبع نظارت بر بوروکراسی است و این قدرت را قانون اساسی به قوه مقننه واگذار کرده است. در آمریکا کمیته‌های تخصصی قوه مقننه بر دیوانسالاری نظارت می‌کنند. نمایندگان مجالس از گروه کارشناسی و تخصصی برخوردارند و این امر به آنان امکان می‌دهد بر اقدامات قوه مجریه به گونه مؤثری نظارت کنند (رحمانی و دهانی، ۱۳۹۶). انتصابات رئیس‌جمهور برای کادرهای بالای قوه مجریه باید به تأیید مجلس سنا برسد. مجلس سنا دارای صلاحیت اعلام جرم علیه مقامات بالای کشور، اعم از اجرایی و قضایی است. استیضاح رییس‌جمهور نیز توسط مجلس سنا انجام می‌شود و رییس‌جمهور در برابر طرح‌های استیضاح باید پاسخگو باشد. قوه مجریه علاوه بر مسئولیتی که در برابر مجلس سنا دارد در برابر کنگره (مجلسین سنا و نمایندگان) نیز باید پاسخگو باشد. موارد پاسخگویی قوه مجریه در برابر کنگره عبارتند از:

- اجرای قانون؛
 - پاسخگویی در مسائل جنگ و صلح؛
 - اتخاذ تصمیم از سوی رئیس‌جمهور پس از اطلاع و تأیید کنگره؛
 - اجرای صحیح بودجه‌های مصوب کنگره؛ و
 - پاسخگویی رئیس‌جمهور و مسئولیت بالای اجرایی در مورد فعالیت‌های مالی و دارایی خود و همسر (اعرابی، ۱۳۸۰).
- در آمریکا پاسخگویی قانونی از طریق دادگاه‌های عادی صورت می‌گیرد. این دادگاه‌ها از اقتدار بسیاری برای نظارت بر بوروکراسی برخوردارند. تفکیک مطلق قوا در این کشور پایگاه نظارت‌های قانونی را تقویت کرده است. در آمریکا پاسخگویی سازمانی در سال‌های اخیر مورد توجه بوده است (فقیهی، ۱۳۸۰). در ۱۹۷۸ قانون اخلاقیات در دولت تصویب شد که بر طبق آن کارکنان ارشد فدرال موظفند فرم‌هایی را هر ساله درباره وضعیت مالی، عدم استفاده از موقعیت‌های اداری و عدم دریافت هدایا تکمیل کنند. این قانون، دفتری بنام دفتر امور اخلاقی دولت ایجاد کرد که در آغاز به دفتر مدیریت پرسنلی وابسته بود و پس از تصویب قانون اصلاح امور اخلاقی در سال ۱۹۸۹ واحدی مستقل شناخته می‌شود. این دفتر که وابسته به قوه مجریه است موارد خلافاکاری‌ها را به وزارت دادگستری آمریکا گزارش می‌کند. در زمینه برنامه‌های مبارزه با فساد، فعالیت‌های مهمی داشته و تحقیقاتی را انجام می‌دهد. بر اساس قانون اخلاقیات کلیه موسسات دولت فدرال موظفند واحدی جهت نظارت بر امور اخلاقی کارکنانش تاسیس کنند. این واحدها مسئولیت آموزش کارکنان و امور اداری اخلاقیات را عهده دارند. دفتر امور اخلاقی دولت فدرال سالانه کنفرانس‌هایی برگزار می‌کند که از آن جمله کنفرانس بین‌المللی اخلاقیات دولت در سال ۱۹۹۴ بود که چهل و نه کشور در آن مشارکت کردند (رحمانی و دهانی، ۱۳۹۶).

دفتر امور اخلاقی دولت بیشتر هم خود را مصروف بررسی روابط مالی کارکنان کرده است. وقتی مأموری منصوب می‌شود بر اساس مقررات اخلاقی، اطلاعات مربوط به روابط مالی او بررسی می‌شود. این قانون فرصت سوءاستفاده از موقعیت‌های اداری پس از خروج از خدمت را شدیداً محدود می‌کند. همه مأمورانی که منصوب رئیس‌جمهورند باید فرم‌های ویژه‌ای را تکمیل کنند و مجلس سنا پس از رسیدگی به وضعیت مالی آنان، انتصابات را مورد تأیید قرار خواهد داد. در سال ۱۹۹۳ دفتر امور اخلاقی، کتاب راهنمایی را تهیه کرد که در آن دستورالعمل‌هایی برای پیشگیری از ارتکاب کارهای خلاف اداری مدون شده است. در این راهنما اموری چون دریافت هدایا از خارج سازمان، رابطه با سازمان‌های دیگری که کارمند منافعی در آنها دارد، مسائل مالی بعد از

استخدام، سوء استفاده از موقعیت شغلی و فعالیت‌های ناپه‌نجان در خارج سازمان توضیح داده شده است. در سطح ایالتی نیز کمیسیون‌هایی ایجاد شده که به مسائل اخلاقی کارکنان می‌پردازند. تحقیقات نشان می‌دهد میزان اختیارات و اثربخشی این کمیسیون‌ها در ایالات گوناگون متفاوت بوده است. ذکر این نکته ضروری است که دفتر امور اخلاقی دولت در سطح دولت فدرال صرفاً به امور اخلاقی کارکنان قوه مجریه رسیدگی می‌کند حال آنکه کمیسیون‌ها و سازمان‌های ایالتی امور اخلاقی کارکنان سه قوه را کنترل می‌کنند (محمدپناه، ۱۳۹۲).

در ایالات متحده آمریکا، قوه قضاییه دو وظیفه مهم بر عهده دارد. وظیفه اول بر عهده دیوانعالی فدرال که بالاترین مرجع قضایی است، قرار دارد. این وظیفه عبارت است از نظارت و کنترل بر قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و مصوبات قوه مجریه تا مغایر با قانون اساسی فدرال نباشند. وظیفه دیگر قوه قضاییه، احقاق حقوق شهروندان می‌باشد. هرگاه دادگاه‌های ایالات متحده، تضییح حق و یا تخلف از تکلیفی را از سوی قوه مجریه مشاهده کنند، به عنوان پاسداران قانون اساسی به آن تخلف رسیدگی می‌کنند. همچنین نظام حکومتی به صورت فدرال (دولت مرکزی) اداره می‌شود که هر ایالت دارای حکومتی مستقل، قلمروی مشخص، قانون اساسی مختص به خود و قوای حکومتی منتخب مردم می‌باشد. این ایالات در قانونگذاری باید تابع قانون اساسی فدرال باشند و بر خلاف آن قانونی را تصویب و اجرا نکنند. همچنین در دفاع و سیاست خارجی تابع حکومت فدرال می‌باشند. کنترل و نظارت از جمله اهرم‌های مؤثر بر پاسخگویی است. یکی از ابزارهای مهم نظارتی، بازرسی اداری است. نظارت به صورت عمودی و سلسله مراتبی از سوی رئیس دولت و وزرا نسبت به سازمان‌های تابعه و شرکت‌های دولتی اعمال می‌شود. بازرسی اداری اهداف مختلفی را دنبال می‌کند که از آن جمله اصلاح اداری و ارزیابی کارایی دولت است. بازرسی اداری با دیدی بی‌طرفانه در دامنه وسیعی به فعالیت مشغول است و نتیجه را جهت انجام اصلاحات به رؤسای وزارتخانه‌ها و برای آگاهی عموم مردم اعلام می‌کند. جدای از هیأت رسیدگی و بازرسی اداری، در داخل ادارات نیز واحدهای ویژه بازرسی در مورد مسائلی که با اختیارات عمومی و یا معاملات پولی در ارتباطند، مستقر هستند (اعرابی، ۱۳۸۰).

در آمریکا مردم تأثیر زیادی بر سیاست‌های دولت دارند و بر عملکرد دولت نظارت می‌کنند. در یکی از اصلاحیه‌های قانون اساسی تأکید گردیده که اصل خواست مردم است و مردم می‌توانند هرگاه که خواستند شکل حکومت خود را عوض کنند. زیرا اقتدار سیاسی در سیستم حکومتی آمریکا بر اساس خواست مردم است. با توجه به این اصل دولت باید پاسخگویی مردم باشد و هرگاه مردم لازم بدانند، می‌توانند از دولت سؤال کرده و توضیح بخواهند. همچنین مطبوعات نیز جایگاه ویژه‌ای در نظارت و پاسخگویی دولت دارند. در اصلاحیه اول قانون اساسی آمریکا، آزادی مطبوعات مورد تصریح واقع شده است. در یکی از اصول این اصلاحیه آماده است که کنگره هیچ قانونی وضع نخواهد کرد که آزادی نظر و بیان و آزادی مطبوعات را محدود سازد. بر این اساس مطبوعات می‌توانند با استفاده از این حق قانونی خود نقش مؤثر و مفیدی در اعمال کنترل و نظارت بر قوای مملکتی و مسئولین سطوح مختلف حکومت ایفا نمایند (اعرابی، ۱۳۸۰).

۳-۳- پاسخگویی در نظام اداری فرانسه

فرانسه را می‌توان ترکیبی از نظام ریاستی و پارلمانی دانست. در این الگو، قوه مجریه از یک رئیس جمهور غیرمسئول (از لحاظ سیاسی) و یک کابینه مسئول (متشکل از نخست‌وزیر و وزرا) در مقابل مجلس تشکیل شده است. در این نظام، قوه مجریه یک رکنی است و در آن رئیس جمهوری، رئیس کشور و رئیس دولت محسوب می‌شود و اعضای کابینه را تعیین و اداره می‌کند و وزرا در برابر او مسئولیت دارند. مجلس و ریاست جمهوری در برابر یکدیگر دارای ابزارهای کنترل سیاسی بوده و می‌توانند بر یکدیگر تأثیرگذار باشند. مدل حکومتی در فرانسه از دو رکن تشکیل می‌شود؛ نخست دولت که در راس آن رئیس جمهوری قرار دارد، به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شود و دارای اختیارات گسترده‌ای است. با این حال، در دولت نخست وزیر و وزیران که از سوی رئیس جمهوری منصوب می‌شوند، در برابر پارلمان پاسخگو هستند و پارلمان می‌تواند با رأی عدم اعتماد یا مصوبه‌ای سیاسی مانع از تشکیل کابینه شود. البته رئیس جمهوری نیز می‌تواند در شرایطی خاص پارلمان را منحل کند (محمدپناه، ۱۳۹۸).

قوه مقننه فرانسه دارای دو رکن است؛ رکن اول پارلمان است و رکن دوم، شورای قانون اساسی^۱ است که به عنوان یک نهاد نظارتی است. فلسفه وجودی این ارگان، نظارت بر صحت جریان انتخابات و نظارت بر تطابق قوانین عادی با قانون اساسی است. رکن اول یا پارلمان از دو مجلس ملی و سنا تشکیل می‌شود که مجلس ملی عهده‌دار نظارت بر قوه مجریه است و دولت در برابر نمایندگان این مجلس پاسخگو می‌باشد. نخست وزیر که منتخب رئیس جمهور است و وزرا که از طرف نخست وزیر معرفی شده و تأیید نمایندگان مجلس ملی می‌رسند، در برابر مجلس ملی مسئولیت دارند اما رئیس جمهور هیچگونه مسئولیتی در قبال مجلس ندارد. وظیفه قوه مجریه در مورد پاسخگویی به استیضاح (طرح سانسور دولت)، سؤال نمایندگان، اجرای قانون بوده، پاسخگویی به شکایات مردم شبیه نظام پاسخگویی در جمهوری اسلامی ایران است. اما مجلس فرانسه علاوه بر موارد مذکور، از قدرت قضایی

1. Le Conseil constitutionnel

برخوردار است و در صورتی که رئیس جمهور، نخست وزیر و وزرا مرتکب جرم سنگینی همچون خیانت به کشور شوند، می‌تواند آنها را جهت محاکمه به دادگاه عالی عدالت معرفی کند. این دادگاه متشکل از نمایندگان دو مجلس ملی و سنا می‌باشد (اعرابی، ۱۳۸۰؛ محمدپناه، ۱۳۹۸).

در فرانسه، استقلال قوه قضاییه از اولویت بالایی برخوردار است و قضاوت زیر نفوذ اراده و کنترل هیچ مقامی خارج از مقامات قوه قضاییه قرار ندارند و رییس جمهور به کمک شورای عالی قضایی ضامن این استقلال می‌باشند. اگر شکایتی در مورد قضاوت و یا دیگر مأموران قوه قضاییه وجود داشته باشد، این شورا به عنوان شورای انضباطی قضاوت انجام وظیفه می‌کند. سیستم دولت به صورت متمرکز است و در هر دپارتمان (استان)، پرفه (استاندار) که نماینده حکومت مرکزی است بر کارهای دپارتمان و کمون (شهرستان) کنترل دارد و تمام اقدامات و عملیات انجمن‌های محلی به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم تحت کنترل و نظارت حکومت مرکزی قرار می‌گیرد و در مقابل انجمن‌های محلی و مأمورین منتخب محلی مراقب هستند که مأموران حکومت مرکزی در انجام وظایف خود پا را از حدود قانونی فراتر نگذارند. این نقش در شهرهای بزرگ فرانسه که منتخبین محلی در تنظیم برنامه محلی نقش مهمی بر عهده دارند برجسته‌تر است (اعرابی، ۱۳۸۰؛ محمدپناه، ۱۳۹۸).

در فرانسه برای احقاق حقوق افراد و شهروندان از طرف مردم و افکار عمومی راه کارهایی در نظر گرفته شده است. طبق ماده ۱۵ اعلامیه حقوق بشر و شهروندان فرانسه، جامعه حق دارد از هر مستخدم امور عمومی حساب اداره او را بخواهد. همچنین گروه‌ها و اصناف مختلف می‌توانند با برپایی اعتراضات آرام و هماهنگ مقامات دولتی را وادار به پاسخگویی و استیفای حقوق خود کنند. مطبوعات و روزنامه‌های مستقل از دستگاه دولت، سعی دارند تا با آگاهی بخشیدن به افراد جامعه نسبت به حقوق خود و افشاگری نواقص و سوءمدیریت در دستگاه‌های دولتی، حقوق افراد و شهروندان را استیفا کنند. به طور کلی، ویژگی مهم مطبوعات در فرانسه، استقلال آنها از دستگاه‌های دولتی و تلاش آنها در افشاگری و آگاه کردن افکار عمومی جامعه می‌باشد (اعرابی، ۱۳۸۰).

۳-۴- پاسخگویی در نظام اداری چین

جمهوری خلق چین در چارچوب جمهوری سوسیالیستی اداره می‌شود که توسط یک حزب واحد، حزب کمونیست چین به ریاست دبیرکل اداره می‌شود. قدرت دولتی در جمهوری خلق چین از طریق حزب کمونیست، دولت مرکزی مردم (شورای ایالتی) و نمایندگی استانی و محلی آنها اعمال می‌شود. دولت زیر نظر حزب کمونیست چین و بر مبنای قانون اساسی چین اداره می‌شود که در سال ۱۹۸۲ تصویب شده است. بر اساس قانون اساسی کشور، حزب کمونیست بر عملکرد هفت ارگان مندرج در قانون اساسی نظارت کامل دارد. از جمله مهمترین ارگان‌های حکومتی کشور چین می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

کنگره ملی خلق (مجلس نمایندگان)، ریاست جمهوری، شورای دولتی، حکومت‌های محلی (استان‌ها)، دادگاه عالی خلق، دادستانی عالی خلق و کنفرانس مشورتی/سیاسی خلق (اوربو، ۱۳۹۵).

در کشور چین تفکیک کامل قوا وجود ندارد و تعدادی از مقامات دولتی و حزبی عضو مجلس نیز می‌باشند. حزب کمونیست چین از کمیته مرکزی، دفتر سیاسی کمیته مرکزی و کمیته دائم متشکل می‌گردد. کمیته دائم بالاترین نهاد تصمیم گیرنده کشور است که خود از هفت عضو تحت عناوین ذیل متشکل می‌گردد: دبیرکل و رئیس کمیسیون مرکزی نظامی حزب کمونیست (رئیس جمهور)، نخست وزیر، رئیس کنگره خلق، رئیس مجلس سیاسی - مشورتی خلق، معاون رئیس جمهور، عضو کمیته دائم دفتر سیاسی حزب کمونیست و کنگره ملی خلق چین (مجلس نمایندگان) (اوربو، ۱۳۹۵).

کنگره ملی خلق چین بالاترین ارگان قانون گذاری کشور محسوب می‌گردد. اعضاء کنگره برای مدت ۵ سال توسط کنگره‌های محلی انتخاب می‌گردند کنگره ملی، به برپایی اجلاس عمومی سالیانه مبادرت نموده و کمیته دائمی آن نیز که متشکل از معاونین کنگره و تعدادی از نمایندگان برگزیده است، تشکیل جلسه می‌دهد. از جمله اهم وظایف کنگره می‌توان به تدوین یا اصلاح قانون اساسی، وضع قوانین جدید، تصویب طرح‌ها و لوایح و تصمیم‌گیری در خصوص سیاست‌های جنگ و صلح و انتخاب و عزل رئیس جمهور، رئیس کمیسیون نظامی، رئیس دیوان عالی کشور، نخست وزیر و اعضاء کابینه اشاره نمود. علاوه بر این واحدهای کوچکی از کنگره محلی خلق در سطح ایالت‌ها، شهرستان‌ها و شهرک‌ها فعالیت دارند که اعضاء آن توسط مردم انتخاب می‌گردند. وظیفه کنگره‌های محلی نظارت بر اجرای صحیح قانون اساسی و سایر قوانین کشور در سطوح مختلف جامعه است (گیشار، ۱۳۹۶).

مقام ریاست جمهوری از نظر سلسله مراتب پس از دبیرکل حزب قرار دارد. از جمله اهم وظایف وی می‌توان به ابلاغ قوانین مصوب کنگره به دستگاه‌های اجرایی، معرفی نخست وزیر و معاونین به کنگره، اعطای نشان‌های دولتی، اعلام جنگ، حکومت نظامی و بسیج عمومی و دریافت استوارنامه کارداران خارجی، عزل و نصب کارداران چینی مستقر در خارج از کشور و تأیید قراردادهای منعقد با دول خارجی، اشاره نمود. شورای دولتی، ارکان اجرایی و یا در واقع همان هیئت دولت است که بر نخست وزیر، معاونین نخست وزیر، مشاورین عالی دولت و روسای کمیسیون‌ها، دبیرکل شورای دولتی و وزرا مشتمل می‌گردد. در حال

حاضر نخست وزیر عهده‌دار سمت ریاست شورای دولتی چین می‌باشد. دادگاه‌ها و دادستانی‌های خلق با همکاری نهادهای و سازمان‌های امنیتی عهده‌دار مسئولیت نظارت بر اجرای عدالت و رعایت قوانین کشور می‌باشند. ارگان‌های امنیتی نیز عهده‌دار مسئولیت تحقیق و پیگیری موارد جرم و جمع‌آوری و ارائه مدارک مستند به دادگاه‌ها می‌باشند. دادگاه‌ها در چهار سطح مختلف طبقه‌بندی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به دادگاه عالی خلق، دادگاه‌های استانی، دادگاه‌های شهرستانی و دادگاه‌های بخشی اشاره نمود. دادگاه عالی خلق بالاترین مرجع قضائی کشور است که تحت نظارت مستقیم کنگره ملی خلق قرار دارد. دادستانی‌های خلق نیز تحت نظارت دولت فعالیت داشته و عهده‌دار مسئولیت نظارت بر اجرای عدالت می‌باشند. نهادهای مذکور خود از دادستانی عالی خلق، دادستانی‌های محلی و دادستانی‌های ویژه متشکل می‌گردند (اوربو، ۱۳۹۵).

کنفرانس مشورتی - سیاسی خلق چین نهادی است که با نظارت بر اوضاع جاری کشور پیشنهادهای در خصوص برطرف نمودن مشکلات و مسائل سیاسی و اجتماعی جاری کشور به دولت ارائه می‌نماید. این سازمان در دوران اولیه فعالیت خود که به سال‌های آغازین انقلاب کمونیستی چین باز می‌گردد، نقش ارگان قانون‌گذار کشور را بر عهده داشته و به جای کنگره ملی فعالیت می‌نموده است. بعدها با تشکیل کنگره ملی خلق، نقش سازمان فوق کاهش یافته و به مجلس مشورتی تغییر وضعیت داد. درحال حاضر نقش این سازمان، ضمن نظارت و ارائه مشاوره در خصوص سیاست‌ها و برنامه‌های عمده حزب کمونیست، درصدد برقراری تماس و وحدت میان گروه‌های اجتماعی، احزاب سیاسی و شهروندان چینی تبار مقیم خارج می‌باشد (گیشار، ۱۳۹۶).

انتخابات در جمهوری خلق چین مبتنی بر نظام انتخاباتی سلسله‌مراتبی است. در این نظام کنگره‌های خلق محلی، مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند و دیگر سطوح کنگره‌های خلق تا حد کنگره ملی خلق که مجلس ملی قانونگذاری این کشور است توسط کنگره خلق سطح پایین‌تر خود انتخاب می‌شوند. چینی‌ها برای ریشه‌کن شدن فساد، در سه مرحله نسبت به متخلفان واکنش نشان می‌دهند و در واقع طی این مراحل، فساد را به یک ضدارزش تبدیل می‌کنند. مقامات این کشور در مرحله اول با استفاده از ایجاد ترس از ارتکاب جرم، در مرحله دوم به کمک تقویت اجرای قوانین و اجرای اقدامات پیشگیرانه و در مرحله سوم با تغییر فرهنگ سیاسی چین و تبدیل رشوه و فساد به یک ضدارزش در مقابل این مانع بزرگ در بهبود فضای کسب‌وکار ایستادگی می‌کنند. درگام اول، مجازات فساد آن قدر سنگین و پرهزینه است که کسی جرأت نمی‌کند چنین فساد را مرتکب شود، یعنی مجازات‌ها کاملاً بازدارنده و ترس‌آور است. در گام دوم، حزب و کنگره خلق قوانین را نوشته و تصویب کرده‌اند که راهی برای فساد باقی نگذاشته‌اند. در گام سوم، از طریق فیلم و فرهنگ‌سازی و مهندسی افکار عمومی جامعه، فساد به یک ضد ارزش تبدیل شده و نهادینه می‌شود. در این راستا تمام ابزارهای کنترلی و نظارتی به همراه نمایش فیلم‌های عبرت‌آموز از سرنوشت مفسدان به نمایش گذاشته می‌شود تا مقامات جرات نکنند به دریافت رشوه و فساد دست بزنند. دولت چین برای پیشگیری و مبارزه با فساد سه راه‌حل را نیز در پیش می‌گیرد. ایجاد هماهنگی دستگاهی بین اقدامات و شیوه‌های مبارزه با فساد، ایجاد جامعه‌ای قانون‌محور و پیاده‌کردن الگوی مردمی و توسعه اقتصادی در سطوح مختلف و به‌کارگیری توانان شیوه‌های تشویق و تنبیه به صورت مکمل، راهکارهای چین در این باره است (اوربو، ۱۳۹۵).

۳-۵- پاسخگویی در نظام اداری ایران

ساختار جمهوری اسلامی ایران شامل مقام رهبری، مجلس خبرگان رهبری، قوای مجریه، مقننه، قضائیه و شورای نگهبان و همچنین مجمع تشخیص مصلحت نظام است. در این ساختار، رهبر در رأس حکومت قرار دارد و پس از رهبر، ساختار سیاسی جمهوری اسلامی بر پایه سه قوه مجریه، قضائیه و مقننه است. در جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام بعد از رهبر، بر اجرای قانون اساسی نظارت دارد و دیگر قوا در صورت تخلف از قانون اساسی باید به رئیس‌جمهور پاسخگو باشند. قوه قضائیه، وظیفه احقاق حقوق شهروندان را بر عهده دارد و رئیس قوه قضائیه بر درایی رهبر، رئیس‌جمهور، وزرا و معاونین رئیس‌جمهور، همسر و فرزندان آنها نظارت دارد. این قوه دارای ارکان زیر می‌باشد:

- سازمان بازرسی کل کشور: قوه مجریه در اجرای صحیح و دقیق قوانین باید پاسخگویی این سازمان باشد.
- دیوان عدالت اداری: این دیوان مسئولیت احقاق حقوق شهروندان و ارباب‌رجوع را در رابطه با دولت، ادارات دولتی و کارمندان دولت به صورت اختصاصی بر عهده دارد.
- دادگاه عمومی: دادگاه عمومی دارای صلاحیت عام در رسیدگی به شکایات مردم می‌باشد که از جمله آنها شکایات مردم از ادارات دولتی و کارمندان دولت می‌باشد.

در جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی که نقش تقنینی را بر عهده دارد، نظارت تام و کاملی بر قوه مجریه به صورت مستقیم و همچنین از طریق دیوان محاسبات کشور به صورت غیرمستقیم اعمال می‌کند و قوه مجریه باید در انجام اکثر کارهای خود پاسخگویی مجلس باشد. علیرغم اینکه رئیس‌جمهوری توسط مردم انتخاب می‌شود، طبق قانون اساسی در برابر مجلس مسئولیت دارد. وزرا نیز رأی اعتماد خود را از مجلس کسب می‌کنند و باید در برابر مجلس پاسخگو باشند. قوه مجریه در

مواردی از جمله اجرای قانون، پاسخگویی به تحقیق و تفحص مجلس، پاسخگویی به تذکر، سؤال و استیضاح نمایندگان، اجرای دقیق قانون بودجه و پاسخگویی به شکایات مردمی از طرز کار قوه مجریه باید پاسخگویی نمایندگان مجلس باشد.

در جمهوری اسلامی ایران، در هر یک از قوای سه‌گانه، به طور رسمی و غیر رسمی، نهادهایی در ارتباط با حقوق ارباب‌رجوع فعالیت دارند. در قوه مجریه این نهادها عبارتند از: دفتر ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهوری، دفتر ارزشیابی، بازرسی و رسیدگی به شکایات، یا واحدهای مشابه در سطوح وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری که در حکم دادگاه اداری عمل می‌کنند و دفاتر وزرا، مدیران و مسئولان دستگاه‌های اداری. همچنین استانداران، فرمانداران و بخشداران زیر نظر دولت مرکزی فعالیت می‌کنند و آنها باید در تمام امور مربوط به خود از مقام بالاتر دستور بگیرند و به آنها پاسخگو هستند. در جمهوری اسلامی ایران، ساز و کار مشخصی برای اعمال نظارت مردم و الزام دولت در پاسخگویی به آنها وجود دارد. در قانون اساسی، اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح و به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد شمرده شده است و مردم با توجه به این اصل هرگاه لازم باشد و صرفاً با مجوز وزارت کشور می‌توانند از طریق راهپیمایی‌ها و اجتماعات اعتراض خود را علیه دولت بیان کنند. اجرای دقیق و صحیح قانون شوراها در تمام سطوح از دیگر ساز و کارهایی است که به نظارت مردم و پاسخگویی دولت در برابر آنها می‌انجامد. همچنین در قانون اساسی، آزادی مطبوعات به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی نباشد، به رسمیت شناخته شده است و قانون مطبوعات نیز به این امر تصریح دارد. در قانون مطبوعات همچنین تصریح شده است که مطبوعات حق دارند نظرات و انتقادات سازنده و توضیحات مردم و مسئولین را درج و به اطلاع عامه مردم برسانند. همچنین کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون، حق قانونی مطبوعات دانسته شده است. اما علیرغم اینکه حقوق مذکور برای مطبوعات در نظر گرفته شده است، دولت و مسئولین دولتی الزامی به ارائه اطلاعات به مطبوعات و نشریات ندارند و در عین حال الزامی به پاسخگویی به انتقادات و مطالب مطروحه در آنها احساس نمی‌کنند (اعرابی، ۱۳۸۰).

نهادهای پاسخگو در ایران به شرح ذیل هستند:

- پاسخگویی رهبری به مجلس خبرگان؛
- پاسخگویی قوای حاکم در برابر رهبر و پاسخگویی نهادهای خارج از قوای سه‌گانه مانند بنیادها و نهادها به رهبری؛
- پاسخگویی قوه مجریه به قوه مقننه (اجرای قانون، پاسخ به تحقیق و تفحص، پاسخ به تذکر نمایندگان، پاسخ به سؤال نمایندگان، استیضاح، پاسخگویی به شکایات مردمی، رسیدگی و تحقیق)؛
- پاسخگویی به قوه قضائیه (دادگاه عمومی، دیوان عدالت اداری)؛
- پاسخگویی دولت به شهروندان (مطبوعات و رسانه‌های گروهی، احزاب و تشکل‌های سیاسی و صنفی، اجتماعات و راهپیمایی‌ها، شوراها اسلامی)؛
- پاسخگویی در قوه مجریه (پاسخگویی رئیس‌جمهور، پاسخگویی هیئت وزیران، پاسخگویی به مشکلات مردم، پاسخگویی نظام اداری به سازمان برنامه و بودجه، پاسخگویی مالی دستگاه‌های دولتی، پاسخگویی به دفاتر بازرسی، پاسخگویی به دفاتر حراست، پاسخگویی به هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، پاسخگویی به سازمان حسابرسی).

۴- بحث و نتیجه‌گیری

پاسخگویی زمانی که مسئولیتی واگذار شده و اختیار تفویض می‌شود، الزامی است. پاسخگویی تعهدی است برای جواب دادن به اجرای مسئولیت‌هایی که به یک دولت واگذار شده است. زمانی که کنترل مرکزی کاهش یافته یا از بین رفته باشد چارچوب پاسخگویی موثر مورد نیاز است. پاسخگو بودن دولت و سازمان‌های دولتی، یک مزیت نسبی برای دولت‌ها محسوب می‌شود. امروزه دو بعد از پاسخگویی مدنظر است، بعد اول مربوط به پاسخگویی افراد و کارکنان در درون دولت (سلسله مراتب سازمانی) است و بعد دیگر آن مربوط به پاسخگویی در مقابل شهروندان، افراد و نهادهای خارج از دولت و قوای مقننه و قضائیه است. پاسخگویی در مقابل ذینفعان خارج از دولت، زمانی می‌تواند به طور اثربخش اجرا شود که اولاً سازمان‌های دولتی و دولت از نظام پاسخگویی کارایی در داخل خود برخوردار بوده تا بدین وسیله مقدمات پاسخگویی به افراد و نهادهای خارج از دولت فراهم شود. ثانیاً در راستای حرکت به سمت جامعه بین‌الملل و جهانی‌سازی و شاخص‌های مربوط به آن اقدامات لازم را مد نظر قرار دهند. لذا دولت‌ها بایستی یک سیستم پاسخگویی ایجاد کنند که از یک طرف پاسخگو بودن دولت را در مقابل شهروندان و از طرفی دیگر در مقابل جامعه جهانی، مهیا سازد.

نظام‌های پاسخگویی دولت‌های کشورهای در حال توسعه در مقایسه با الگوهای متداول کشورهای توسعه یافته به سمت انسجام و نظم بیشتری در حال حرکت هستند. یکی از دلایل عمده این امر کاهش بحران‌های اداری و سیاسی در اغلب جوامع در حال توسعه و حرکت به سمت ثبات اداری و سیاسی است. مقایسه نظام‌های پاسخگویی در پنج کشور مورد مطالعه حکایت از آن

دارد که همه این جوامع ضرورت و اهمیت پاسخگویی بورکراسی به نهادهای سیاسی را پذیرفته‌اند و ساختارهایی برای پاسخگو کردن سازمان‌های اداری و دولتی ایجاد کرده‌اند. نظام‌های پاسخگویی در این جوامع هم در بعد درونی دولت و هم در بعد بیرونی و خارج از دولت استقرار یافته است. پاسخگویی درونی (سازمانی و حرفه‌ای) توسط سازمان‌های وابسته به قوه مجریه و در داخل دولت انجام می‌شود و پاسخگویی بیرونی (سیاسی و قانونی) اغلب توسط دولت و سازمان‌های دولتی به مجالس قانون‌گذاری و قوه قضاییه و سازمان‌های وابسته به آنها و همچنین احزاب، شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی انجام می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد که نظام‌های پاسخگویی در کشورهای یاد شده از منظر با هم شباهت دارد و از منظر شاخص‌هایی دیگر با یکدیگر تفاوت دارند. این تمایز را می‌توان به ساختار سیاسی، میزان مردم‌سالاری و نیز سنت پاسخگویی دیوانسالاری به نهادهای سیاسی در این جوامع مرتبط دانست. در جدول زیر، نحوه پاسخگویی دولت‌های پنج کشور مورد مطالعه در ابعاد درونی و بیرونی نشان داده شده است.

جدول ۳- پاسخگویی درونی و بیرونی دولت‌های پنج کشور مورد مطالعه

نام کشور	رئیس کشور	پاسخگویی درونی دولت (سازمانی و حرفه‌ای)	پاسخگویی بیرونی دولت (پاسخگویی قانونی و سیاسی)
انگلستان	پادشاه یا ملکه (مقام تشریفاتی به عنوان مظهر وحدت کشور)	پاسخگویی سلسله مراتبی (پاسخگویی کارکنان و مقامات اداری در برابر مقامات بالاتر از خود) پاسخگویی وزرا به نخست‌وزیر پاسخگویی به دبیرخانه وزارتخانه‌ها پاسخگویی به کمیسیون‌های منتخب پاسخگویی جمعی به هیئت اجتماع پاسخگویی به دفاتر مدیریت عملکرد	پاسخگویی به ملکه یا پادشاه پاسخگویی به سوال و استیضاح نمایندگان پاسخگویی به پارلمان (مجالس عوام و اعیان) پاسخگویی به دفتر رسیدگی به شکایات پارلمان پاسخگویی به دیوان عالی پاسخگویی به دیوان محاسبات پاسخگویی نسبت به مسئولیت‌های سیاسی پاسخگویی به دادگاه‌های قضایی و عمومی پاسخگویی به کمیسیون اداری مجلس پاسخگویی به احزاب سیاسی پاسخگویی به مطبوعات و روزنامه‌ها پاسخگویی به مردم
امریکا	رئیس‌جمهور	پاسخگویی سلسله مراتبی (پاسخگویی کارکنان و مقامات اداری در برابر مقامات بالاتر از خود) پاسخگویی وزرا و معاونین رئیس‌جمهور به رئیس‌جمهور پاسخگویی مدیران دپارتمان‌های اجرایی به رئیس‌جمهور پاسخگویی به دفتر امور اخلاقی دولت پاسخگویی به کمیسیون‌های منتخب	پاسخگویی به کنگره (مجالس سنا و نمایندگان) پاسخگویی به دادگاه عالی فدرال پاسخگویی به دیوان عالی فدرال پاسخگویی به دادگاه‌های دادگستری پاسخگویی به دادگاه‌های عمومی پاسخگویی به استیضاح پاسخگویی در راستای اجرای قوانین به مردم و مطبوعات
فرانسه	رئیس‌جمهور	پاسخگویی سلسله مراتبی (پاسخگویی کارکنان و مقامات اداری در برابر مقامات بالاتر از خود) پاسخگویی وزرا و نخست‌وزیر به رئیس‌جمهور پاسخگویی به هیئت بازرسان	پاسخگویی به پارلمان (مجالس ملی و سنا) پاسخگویی به طرح سانسور دولت پاسخگویی به شورای قانون اساسی پاسخگویی به قضات شورای عالی قضایی پاسخگویی به سوال نمایندگان مجلس پاسخگویی به دادگاه عالی عدالت پاسخگویی به دیوان محاسبات پاسخگویی به دادستان پارلمانی برای شکایات مردم پاسخگویی به شورای دولتی و دادگاه‌های اداری پاسخگویی در راستای اجرای قوانین و مقررات به مردم، اصناف، مطبوعات و رسانه
چین	رئیس‌جمهور	پاسخگویی سلسله مراتبی (پاسخگویی کارکنان و مقامات اداری در برابر مقامات بالاتر از خود) پاسخگویی معاونین رئیس‌جمهور، وزرا و نخست‌وزیر به رئیس‌جمهور پاسخگویی به کنگره‌های محلی پاسخگویی به شورای دولتی پاسخگویی به کمیسیون‌ها پاسخگویی مشاورین عالی دولت به رئیس‌جمهور	*در چین تفکیک قوا وجود ندارد* پاسخگویی به دبیرکل و کمیته مرکزی حزب کمونیست پاسخگویی به کنگره ملی خلق (مجلس نمایندگان) پاسخگویی به دادگاه عالی خلق پاسخگویی به دادستانی عالی خلق پاسخگویی به دیوان عالی پاسخگویی به کمیسیون نظامی

نام کشور	رئیس کشور	پاسخگویی درونی دولت (پاسخگویی سازمانی و حرفه‌ای)	پاسخگویی بیرونی دولت (پاسخگویی قانونی و سیاسی)
		پاسخگویی به حکومت‌های محلی (استانی)	پاسخگویی به شورای دولتی پاسخگویی به کنفرانس مشورتی و سیاسی
ایران	مقام رهبری	پاسخگویی سلسله مراتبی (پاسخگویی کارکنان و مقامات اداری در برابر مقامات بالاتر از خود) پاسخگویی وزرا و معاونین رئیس‌جمهور در برابر رئیس‌جمهور پاسخگویی به شکایات مردمی در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی پاسخگویی به شکایات کارکنان دولت پاسخگویی دستگاه‌های دولتی به یکدیگر در چارچوب قوانین و مقررات پاسخگویی به دفاتر ارزیابی، بازرسی و ... پاسخگویی به هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری	پاسخگویی به مقام رهبری پاسخگویی در راستای اجرای قوانین پاسخگویی به تحقیق و تفحص پاسخگویی رئیس‌جمهور و وزرا به تذکر، سوال و استیضاح نمایندگان مجلس شورای اسلامی پاسخگویی به دیوان محاسبات کشور پاسخگویی به سازمان بازرسی کل کشور پاسخگویی به دیوان عالی کشور پاسخگویی به شکایات مردمی در قوای دیگر پاسخگویی به شکایات شهروندان و کارکنان دولت در دیوان عدالت اداری پاسخگویی در دادگاه‌های عمومی

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود در انگلستان، رئیس کشور پادشاه یا ملکه و مقام تشریفاتی به عنوان مظهر وحدت کشور است و پاسخگویی درونی دولت (پاسخگویی سازمانی و حرفه‌ای) شامل: پاسخگویی سلسله مراتبی (پاسخگویی کارکنان و مقامات اداری در برابر مقامات بالاتر از خود)، پاسخگویی وزرا به نخست‌وزیر، پاسخگویی به دبیرخانه وزارتخانه‌ها، پاسخگویی به کمیسیون‌های منتخب، پاسخگویی جمعی به هیئت اجتماع و پاسخگویی به دفاتر مدیریت عملکرد است و همچنین پاسخگویی بیرونی دولت (پاسخگویی قانونی و سیاسی) شامل: پاسخگویی به ملکه یا پادشاه، پاسخگویی به سوال و استیضاح نمایندگان، پاسخگویی به پارلمان (مجالس عوام و اعیان)، پاسخگویی به دفتر رسیدگی به شکایات پارلمان، پاسخگویی به دیوان عالی، پاسخگویی به دیوان محاسبات، پاسخگویی نسبت به مسئولیت‌های سیاسی، پاسخگویی به دادگاه‌های قضایی و عمومی، پاسخگویی به کمیسیون اداری مجلس، پاسخگویی به احزاب سیاسی، پاسخگویی به مطبوعات و روزنامه‌ها و پاسخگویی به مردم می‌شود.

در کشور آمریکا، رئیس کشور رئیس‌جمهور است و پاسخگویی درونی دولت (پاسخگویی سازمانی و حرفه‌ای) شامل: پاسخگویی سلسله مراتبی (پاسخگویی کارکنان و مقامات اداری در برابر مقامات بالاتر از خود)، پاسخگویی وزرا و معاونین رئیس‌جمهور به رئیس‌جمهور، پاسخگویی مدیران دپارتمان‌های اجرایی به رئیس‌جمهور، پاسخگویی به دفتر امور اخلاقی دولت و پاسخگویی به کمیسیون‌های منتخب است و همچنین پاسخگویی بیرونی دولت (پاسخگویی قانونی و سیاسی) شامل: پاسخگویی به کنگره (مجالس سنا و نمایندگان)، پاسخگویی به دادگاه عالی فدرال، پاسخگویی به دیوان عالی فدرال، پاسخگویی به دادگاه‌های دادگستری، پاسخگویی به دادگاه‌های عمومی، پاسخگویی به استیضاح و پاسخگویی در راستای اجرای قوانین به مردم و مطبوعات می‌شود.

در کشور فرانسه، رئیس کشور رئیس‌جمهور است و پاسخگویی درونی دولت (پاسخگویی سازمانی و حرفه‌ای) شامل: پاسخگویی سلسله مراتبی (پاسخگویی کارکنان و مقامات اداری در برابر مقامات بالاتر از خود)، پاسخگویی وزرا و نخست‌وزیر به رئیس‌جمهور و پاسخگویی به هیئت بازرسان است و همچنین پاسخگویی بیرونی دولت (پاسخگویی قانونی و سیاسی) شامل: پاسخگویی به پارلمان (مجالس ملی و سنا)، پاسخگویی به طرح سانسور دولت، پاسخگویی به شورای قانون اساسی، پاسخگویی به قضات شورای عالی قضایی، پاسخگویی به سوال نمایندگان مجلس، پاسخگویی به دادگاه عالی عدالت، پاسخگویی به دیوان محاسبات، پاسخگویی به دادستان پارلمانی برای شکایات مردم، پاسخگویی به شورای دولتی و دادگاه‌های اداری و پاسخگویی در راستای اجرای قوانین و مقررات به مردم، اصناف، مطبوعات و رسانه می‌شود.

در کشور چین، رئیس کشور رئیس‌جمهور است و تفکیک قوا وجود ندارد. لذا پاسخگویی درونی دولت (پاسخگویی سازمانی و حرفه‌ای) شامل: پاسخگویی سلسله مراتبی (پاسخگویی کارکنان و مقامات اداری در برابر مقامات بالاتر از خود)، پاسخگویی معاونین رئیس‌جمهور، وزرا و نخست‌وزیر به رئیس‌جمهور، پاسخگویی به کنگره‌های محلی، پاسخگویی به شورای دولتی، پاسخگویی به کمیسیون‌ها، پاسخگویی مشاورین عالی دولت به رئیس‌جمهور و پاسخگویی به حکومت‌های محلی (استانی) است و همچنین پاسخگویی بیرونی دولت (پاسخگویی قانونی و سیاسی) شامل: پاسخگویی به دبیر کل و کمیته مرکزی حزب کمونیست، پاسخگویی به کنگره ملی خلق (مجلس نمایندگان)، پاسخگویی به دادگاه عالی خلق، پاسخگویی به دادستانی عالی خلق، پاسخگویی به دیوان عالی، پاسخگویی به کمیسیون نظامی، پاسخگویی به شورای دولتی و پاسخگویی به کنفرانس مشورتی و سیاسی می‌شود.

در کشور ایران، رئیس کشور مقام رهبری است و پاسخگویی درونی دولت (پاسخگویی سازمانی و حرفه‌ای) شامل: پاسخگویی سلسله مراتبی (پاسخگویی کارکنان و مقامات اداری در برابر مقامات بالاتر از خود)، پاسخگویی وزرا و معاونین رئیس‌جمهور در برابر رئیس‌جمهور، پاسخگویی به شکایات مردمی در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی، پاسخگویی به شکایات کارکنان دولت، پاسخگویی دستگاه‌های دولتی به یکدیگر در چارچوب قوانین و مقررات، پاسخگویی به دفاتر ارزیابی، بازرسی و پاسخگویی به هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری است و همچنین پاسخگویی بیرونی دولت (پاسخگویی قانونی و سیاسی) شامل: پاسخگویی به مقام رهبری، پاسخگویی در راستای اجرای قوانین، پاسخگویی به تحقیق و تفحص، پاسخگویی رئیس‌جمهور و وزرا به تذکر، سوال و استیضاح نمایندگان مجلس شورای اسلامی، پاسخگویی به دیوان محاسبات کشور، پاسخگویی به سازمان بازرسی کل کشور، پاسخگویی به دیوان عالی کشور، پاسخگویی به شکایات مردمی در قوای دیگر، پاسخگویی به شکایات شهروندان و کارکنان دولت در دیوان عدالت اداری و پاسخگویی در دادگاه‌های عمومی می‌شود.

با مقایسه نظام پاسخگویی دولت در ایران با نظام پاسخگویی چهار کشور مورد مطالعه، به نظر می‌رسد پیش‌بینی پاسخگویی دولت در قوانین ج.ا.ایران به خوبی دیده شده است و کشور ما دارای نظام پاسخگویی دولتی بسیار خوبی است و در صورتی که نهادهای پیش‌بینی شده در قانون که دولت موظف به پاسخگویی به آنها است با اهتمام ویژه‌ای دولت و مدیران دولتی را به پاسخگویی ملزم می‌توان دولت را به سمت پاسخگویی اثربخش هدایت نمود.

منابع

- ابوالحسنی رنجبر، احمد، دانش‌فرد، کرم‌الله، و فقیهی، ابوالحسن، (۱۳۹۶)، ارائه الگوی دستور کار خط‌مشی‌های اصلاح نظام اداری در ایران، فصلنامه مدیریت دولتی دانشگاه تهران، دوره ۹، شماره ۴، ۶۴۰-۶۱۵.
- ابوالحسنی رنجبر، احمد، دانش‌فرد، کرم‌الله، و فقیهی، ابوالحسن، (۱۳۹۷)، دستور کار خط‌مشی‌های اصلاح نظام اداری در ایران مبتنی بر نقش کانون‌های تفکر و شبکه‌های اجتماعی، نشریه چشم‌انداز مدیریت دولتی، دانشگاه شهیدبهبشتی، سال نهم، شماره ۳۴، ۱۵-۴۲.
- اعرابی، سیدمحمد، (۱۳۸۰)، مطالعه نظام پاسخگویی دولت در ایران: نگرشی تطبیقی، مجله دانش مدیریت، سال چهاردهم، شماره ۵۵، ۱۱۹-۱۵۵.
- الوانی، سیدمهدی، و دانایی‌فرد، حسن، (۱۳۸۰)، مدیریت دولتی و اعتماد عمومی، مجله دانش مدیریت، سال چهاردهم، شماره ۱۵۵.
- اوربو، پائولو، (۱۳۹۵)، الگوی چینی توسعه پرشتاب و هماهنگ‌سازی دوباره‌ی دولت و جامعه، ترجمه سعید میرترابی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- دنهارت، رابرت‌بی، (۱۳۹۰)، تئوری‌های سازمان دولتی، ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، انتشارات اشرافی و صفار.
- رحمانی، منا، و عیسی دهانی (۱۳۹۶)، بررسی ساختار سیاسی، اقتصادی، مدیریتی و تفکیک قوا در ایالات متحده آمریکا، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- رحیمی‌مقدم، سیدحسین، (۱۳۹۸)، نظام حقوقی کابینه مطالعه تطبیقی قواعد حاکم بر انتخاب اعضای کابینه در ایران، آمریکا و انگلستان، انتشارات جنگل جاودانه.
- فقیهی، ابوالحسن، (۱۳۸۰)، نظام‌های پاسخگویی در بخش دولتی: دیدگاهی تطبیقی، فصلنامه مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، دوره ۸، شماره ۲۹ و ۳۰، ۵۳-۷۰.
- گیشار، ژان‌پول، (۱۳۹۶)، دولت حزبی چین و شرکت‌های چندملیتی اتحاد نگران‌کننده، ترجمه فرزاد میرمحبوب، انتشارات پرسش.
- محمدپناه، بهنام، (۱۳۹۲)، تاریخ و ساختار نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا، انتشارات سبزان.
- محمدپناه، بهنام، (۱۳۹۸)، تاریخ و ساختار نظام سیاسی فرانسه، انتشارات سبزان.
- میرسپاسی، ناصر، و اعتباریان، اکبر، (۱۳۸۷)، اصلاح و تحول در نظام اداری ایران بر اساس الگوی توازن قدرت، انتشارات میر.
- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۹۸)، سیاست و حکومت در اروپا (انگلستان، فرانسه، آلمان و ایتالیا)، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- هیوز، آون، (۱۳۹۸)، مدیریت دولتی نوین، ترجمه سیدمهدی الوانی، سهراب خلیلی‌شورینی و غلامرضا معمارزاده‌طهران، انتشارات مروارید.

۱۶. صبحی، الهه، مسعود، غلامحسین، عمادزاده، محمدکاظم، و شکرچی‌زاده، احمدرضا، (۱۳۹۷)، نقش نظام اداری در ارتقای نظام پاسخگویی (مورد مطالعه: ادارات کل استان تهران)، فصلنامه علمی و پژوهشی حقوق اداری، سال ششم، شماره ۱۷.
17. Aucoin, P. and Heintzman, R. (2000). The Dialectic of Accountability for Performance in Public Management Reform, *International Review of Administrative Sciences*, Vol. 66.
18. Jillson, Cal, (2013), *American Government: Political Development and Institutional Change*, Taylor & Francis, p. 14.